



انس خالصانه با دعای سحر انسان را مستجاب الدعوه می‌کند

استاد حوزه علمیه خواهران معتقد است: دعای سحر با درخواست‌های متعدد بنده از خداوند همراه است؛

استاد حوزه علمیه خواهران معتقد است: دعای سحر با درخواست‌های متعدد بنده از خداوند همراه است؛ درخواستی پر از ابراز عجز و ناتوانی و وقتی انسان به درجات بالایی از این عجز و ضعف در برابر خداوند برسد، به مقام مستجاب الدعوه بودن خواهد رسید.

معصومه گلگیری دعای سحر یکی از ادعیه‌های معروف، پرمعنا و پرمغز ماه مبارک رمضان است؛ دعایی که مورد توجه ائمه (ع) به خصوص امام باقر(ع) بود و ایشان این دعا را در سحرهای هر روز ماه مبارک رمضان می‌خواندند.

خبرنگار ایکننا به منظور شناخت و آشنایی بیشتر با مضامین این دعا، با بانو مجتهدہ معصومه گلگیری، استاد حوزه علمیه خواهران و عضو هیئت امنای جامعه الزهرا(س)، گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید.

ایکننا _ در ابتدای درباره شناسنامه دعای سحر و اهمیت آن توضیح دهید.

یکی از دعاهاى وارد شده در ماه مبارک رمضان، دعای معروف سحر است و به سبب اهمیتی که دارد مرحوم محدث قمی، صاحب مفاتیح این دعا را در آغاز ادعیه ماه رمضان ذکر کرده است، در حالی که ابتدا باید ادعیه روزانه و اعمال روزهای ماه مبارک ذکر می‌شد، مثلاً ابتدا دعای افتتاح، بعد دعای سحر یا ادعیه سحر، ولی این دعا در همان ابتدا آورده شده است و این امر نشانگر اهمیت و محتوای غنی آن است.

قبل از پرداختن به بحث مضامین و محتوای دعا، باید ببینیم چه فرقی بین دعا و مناجات وجود دارد، زیرا مثلاً به مناجات شعبانیه که آن هم دعاست مناجات می‌گویند، ولی به دعای سحر، دعا، مناجات از کلمه نجوا گرفته شده و درد دل و درگوشی سخن گفتن است، یعنی انسان با خداوند مناجات کند و درخواست‌های معنوی داشته باشد و با او درد دل و طلب عاقبت بخیری کند و حسن نظر خدا را در مورد خود بخواهد و اسرار خود را با خدا در میان بگذارد و طلب معنوی کند، ولی دعای سحر از ابتدا با درخواست شروع می‌شود. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ يَا بَهَاءَ وَكُلِّ بَهَائِكَ بَهِيٍّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كَيْهٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ يَا جَمِيلَ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كَيْهٍ.» به همین ترتیب ادامه می‌یابد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ يَا جَلِيلَ وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كَيْهٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ يَا عَظِيمًا وَكُلِّ عَظَمَتِكَ كَيْهٍ.»

در مورد سند این دعا هم اکثر بزرگوارانی که درباره آن سخن گفته‌اند سخنی از سند و شناسنامه آن به میان نیاورده‌اند، زیرا علو مضامین و محتوای آن نشان می‌دهد که هیچ‌انگیزه‌ای برای جعل چنین کلماتی از سوی احدی وجود نداشته است. انشای چنین کلماتی از سوی احدی چون معصوم امکان‌پذیر نیست و علو مضامین و نبود انگیزه برای جعل این سخنان و عدم توانایی بر گفتن چنین عباراتی دست به دست هم می‌دهد تا شخصی که به شرح این روایت دعا می‌پردازد از سند بی‌نیاز شود. شیخ عباس فرموده است که این دعا را امام باقر(ع) در سحرهای ماه مبارک رمضان می‌خواندند و برای دیگران هم نقل فرموده‌اند.

کسانی از امام رضا(ع) پرسیدند که نظر شما در مورد این دعا، که به سحر معروف و در بین شیعه منتشر شده است، چیست؟ فرمودند که معتبر است و پدرم از امام صادق(ع) و امام صادق از امام باقر(ع) نقل فرمودند. این دعا بسیار با عظمت است و اگر مردم عظمت آن را درک می‌کردند و به تأثیر و اسرار آن پی می‌بردند، با شمشیر زدن در برابر یکدیگر تلاش می‌کردند که به این دعا برسند.

امام باقر(ع) فرمودند که اگر قسم یاد کنم قسم بجایی است بگویم اسم اعظم الهی در این دعا قرار داده شده است و شما در هنگام خواندن آن از عمق دل دعا کنید، زیرا راز و اسرار مکنونی دارد که راز آن در اختیار همه نیست و شما هم آن را برای همه نقل نکنید، مگر کسانی که قدرت درک و فهم آن را دارند و علامه مجلسی هم فرموده است که ما هم با مطالعه به این نتیجه رسیده‌ایم و این دعا حتماً مستجاب است.

ایکنا _ تکرار کلمه اسئلک در این دعا زیاد است و از سوپی از همان ابتدا به سراغ درخواست رفته است. تحلیل شما در این مورد چیست؟

در بین ادعیه شاید چنین موردی نداشته باشیم که خواننده دعا مستقیماً از ابتدا وارد میدان درخواست شود و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ يَا بَهَاءُ وَكُلِّ بَهَائِكَ بَهِيٍّ.» در فراز دوم بنده دعاکننده «وَاللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ يَا نُورَهُ وَكُلِّ نُورِكَ تَبِيٍّ.» دعاکننده والاترین درخواست ها را مطرح می کند و بعد گویی به این نکته پی می برد که این چه درخواستی بود که من داشتمم (زیرا به زیباترین مرتبه و نورانی ترین مرتبه نور او درخواست کرده است، ولی بعد از دعا تاکید می کند که همه مراتب زیبایی خدا زیباست و همه مراتب نورانیت او نورانی است)؛ همه بهای خداوند بهیئ و همه جمال خدا جمیل است و همه کرامات و فضائل و صفات او کامل و جمیل هستند.

در سراسر این دعا این رویه وجود دارد. عرض شد بین دعا و مناجات فرق است، ولی این دعا در عین اینکه به دعا معروف است، حال و هوای مناجات در آن موج می زند و بنده در آن اظهار نقص می کند. شخصی مانند امام خمینی که عارف و سالک واصل بود می فرماید منظور از بهاء، زیبایی و نور وجود است، زیرا همه زیبایی ها در هستی است و ما خدا را از همه هستی و موجودیت او طلب می کنیم و دیگران هم گفته اند کلمه بهاء یعنی زیبایی و نور و هر چیزی که ظهور و بروز قابل توجهی دارد. برخی گفته اند بهاء نوری است که ظهور و بروز دارد. ما از خدا طلب می کنیم که خدایا من از وجود ابدی و سرمدی و ازلی تو زیبایی بی نهایت طلب می کنم. در برخی روایات هم کلمه بها به کار رفته و به معنای آبرو ترجمه شده است؛ از جمله اینکه فرموده اند فلان گناه را مرتکب نشوید، زیرا بهای شما و آبرویتان را از بین می برد؛ حیثیت و زیبایی وجودی شما را از بین خواهد برد.

ایکنا _ آیا این نوع درخواست ها که مدام به معنای «من از تو می خواهم» تکرار می شود دال بر منیت انسان نیست؟

بله، این سؤال پیش می آید؛ از متون و سخنان بزرگان به دست می آید که دعاکننده باید خاکسار و متواضع باشد و خودش را نباید ببیند، ولی چطور در اینجا چنین حالتی وجود دارد؟ توضیح داده اند که خداوند خودش دستور داده است که مرا بخوان تا تو را اجابت کنم: «فادعونی استجب لکم»؛ یعنی من بنده ناتوان و ضعیف و ناقص و سراپا نیاز هستم و در این موقعیت بندگی و هیچ بودگی تو را می خوانم، چون تو خواسته ای.

خداوند در قرآن فرمود: «قُلْ مَا يَعْجَبُ يَكْمُ رَبِّي لَوْ أَنَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا»؛ اگر شما دعا نکنید، خدا هم به شما اعتنایی نمی کند. بنابراین اظهار منیت در این دعا مطرح نیست، بلکه اظهار عجز و ضعف است؛ یعنی من بنده در مقام اجابت دعوت خداوند برآمده ام، زیرا خدا فرموده است که اگر کسانی از دستور خدا سر باز بزنند اهل جهنم هستند؛ اگر کسی دعا نکند سرنوشت شومی در انتظار او است بنابراین گفتن تعبیر اللهم انی اسئلک اظهار منیت نیست، بلکه نشانه این است که انسان با همه وجود در درگاه خدا اظهار نیاز می کند و منیت ها را فراموش کرده که وارد انی دعا شده است.

در این دعا از یک سو دانش خداشناسی و از سوی دیگر دانش انسان شناسی است و بیانگر اینکه انسان چقدر ضعیف و ناتوان است و تا انتها این روند ادامه دارد تا پایان دعا که به این فراز می رسیم: «اللهم انی اسئلک بما انت فيه من الشان و الجبروت می خواهم. اینجاست که نتیجه دعا آشکار می شود و به اسم اعظم الهی می رسیم یعنی ما بعد از اینکه صفات خدا را یاد کرده و او را به آنها سوگند دادیم الان به این مقام والا قدم گذاشته ام که بگویم من شان و جبروت تو را می خواهم. تو استحقاق این را داری که من در برابر تو زانو بزنم و گریان و اشکبار از تو تقاضا بکنم و اینکه تو کمبودها را با جایگاه جبران کنندگی که داری می توانی جبران کنی. جبروت معانی مختلفی دارد، ولی قدرت جبران کنندگی و شان و مقام قدرتمندی خدا از جمله آنهاست.

در دعای جوشن کبیر بر جبران کنندگی تأکید شده است و اینکه خدایا تو جبران کننده نقایص این بنده ضعیف و ناتوان هستی. انسانی که هیچ است و فقط قدرت تو می تواند این هیچ بودن را برطرف کند؛ انسان ممکن الوجود است و نقص وجودی دارد و کسی می تواند این فاصله را کم کند تو هستی. «اسئلک بكل شان و حدها»؛ فقط تو را جبران کننده می دانم و از تو درخواست می کنم. این همان جایگاهی است که ما را به اسم اعظم الهی می رساند. کسی که به تمام معنا ناقص است رو به منبع فضیلت و حقیقت آورده و کسی که به این جایگاه عجز رسیده است هر دعایی کند دعایش مستجاب است و این ما را به اسم اعظم الهی می رساند.

یکی از معانی اسم اعظم الهی این است که انسانی که به تمام معنا فاقد و ناقص است و رو به واجب کامل و منبع حقیقت و فضیلت رو آورده است هر دعایی کند دعایش مستجاب است. لذا فرموده: «اللهم انی اسئلك بما تجیبنی حین اسئلك فاجبنی یا الله»؛ حالا که من فقط شان وحده تو را می بینم و در عمل و عقیده جبروت و جبران کنندگی تو را می بینم حالا وقت اجابت دعای من است و از تو درخواست می کنم که جوابم را بدهی.

ایکنا _ محدث قمی نقل کرده است کسی که به این مرتبه برسد هر حاجتی را که بخواهد برآورده خواهد شد؟ آیا این سخن دلیلی بر جایگاه ممتاز این دعا نیست؟

بله هست. در مورد کمتر دعایی با قاطعیت سخن از اجابت آمده است؛ آن هم دعای به این کوچکی که سراسر دعا چند دقیقه خوانده می شود، ولی این همه خاصیت در آن هست. برخی بزرگان تذکر داده اند که تعدادی از فرازهای این دعا بسیار والاست، مثلاً وقتی انسان سلطه خدا را طلب می کند، یعنی خدایا من سلطه ای ندارم و تو آن را به من عنایت کن. من از علو تو درخواست داریم و به من بده، تو عزیزی و من فاقد عزت.

وقتی بنده می گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاةٍ وَكُلِّ قَوْلِكَ رَضِيًّا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَقُولُكَ كَلِمَةً». یعنی خدایا من قولی می خواهم که وقتی حرف می زنم مرضی عقل و منطق و دین باشد و این مقام همان مقام عصمت است و اینجا انسان باید از زبان ائمه معصومین(ع) چنین درخواستی را مطرح کند، زیرا ما نمی توانیم معصوم شویم. مانند برخی فرازهای دعای کمیل که شخص باید خودش را در جایگاه امام علی(ع) قرار دهد، وگرنه برای چون ما خیلی سنگین است، مثلاً می گوئیم: «يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى...» به فرض که عذاب تو را بتوانم تحمل کنم دوری تو را چگونه می توانم تحمل کنم. ما باید روی این الفاظ تمرین کنیم، وگرنه هرگز نمی توانیم به این جایگاه دست یابیم و باید تلاش کنیم تا برسیم و اگر برسیم همان مقام مستجاب الدعوه و رسیدن به اسم اعظم الهی است.

ایکنا _ معنای محوری اسم اعظم که به آن اشاره شد چیست؟

گفته شده است که اسم اعظم الهی اسم نیست، بلکه جایگاه و مقام است. البته رسیدن به این مقام و تربیت یافتگی در سایه این ادعیه و مناجات ها ممکن است. امام رضا(ع) از قول امام علی(ع) می فرمایند: «طوبی لمن اخلص عباده و الدعا»؛ خوشا به حال کسی که دعا می کند همه توجه و حواسش به خدا باشد و دنبال هر چیزی که دید نرود و قلبش را تسلیم کند و یاد خدا را فراموش نکند و به بوته نسیان نسپارد و همواره به یاد خدا باشد.

«و لا تنس ذکر الله بما اذناه»؛ یعنی هر چی شنید ذکر و یاد خدا را از ذهنش نبرد و قلبش محزون به مواهب دنیوی که به دیگران داده شده است نشود؛ اگر کسی مشغول عبادت خود شود و این معانی بلند را دریابد خود به خود به این سمت می رود که دلش را به هرچه ببیند و بشنود سوق نمی دهد و دعای سحر به ما تعلیم می دهد که چگونه باید به این سمت حرکت کنیم تا مستجاب الدعوه شویم. باید این ادعیه را با دقت و تأمل بخوانیم و اگر به مضامین آن توجه کنیم، در عمل و نظر سراسر تسلیم خواهیم شد و خواهیم دانست که راه دیگری برای ما باز نیست و اگر راهی هست، فقط مسیر عبودیت و تسلیم در برابر توست.

گفت وگو از علی فرج زاده